بازدید از کومه ناصرالدین شاه قاجار در پارک ملی خجیر

یک روز با قبله‌عالم در نخجیرگاه!

میانه چند کوه قد و نیم قد برافراشته در پارک ملی خجیر بقایایی از کومه (کلبه)ای وجود دارد که شاه قَدَرقدرت قاجار برای شکار در آن لش می‌فرمودند و از ۹ باجه آن مشرف به سینه‌کش کوه‌ها به دیدبانی از گله‌های وحوشی می‌پرداختند که هر آینه ممکن بود شرَف نفله شدن به تیر شاهانه نصیبشان گردد!

این کومه مدور، حدود دو متر قطر دارد و با در نظر گرفتن ابعاد و زیربنای شاه و یال و کوپالش، احتمالا فقط شخص قبله عالم به تنهایی یا حداکثر به همراه یک ملازم که تفنگ سرپُر مبارکه را از باروت و سپس «چارپاره»[1] پرمی‌کرده و دست شاه می‌داده، کس دیگری به وقت شکار در آن جا نمی‌مانده است. در مردادماه، کومه زیر آتش آفتاب از دور پیداست. از سقف آن فقط تکه سنگ‌هایی باقی مانده که داخل کومه ریخته است. معماری پیچیده‌ای ندارد، ولی جایابی آن بی شک توسط شکارچی قهاری صورت گرفته که رفتار و عادت وحوش منطقه را می‌دانسته و به فنون شکار، واقف بوده است.

آنچه از نوشته‌های عمله و اکره دربار ناصری بر می‌آید، مطمئنا چندین و چند کومه دیگر در منطقه وجود داشته که یا شناسایی نشده و یا از میان رفته است. چرا که نخجیرگاه (شکارگاه) در منطقه‌ای به وسعت ۷۴ هزار هکتار در شرق تهران، از سرخه حصار تا رودهن و از جنوب تا شهرری کشیده شده است که حالا به پارک ملی تبدیل شده و شکار در آن ممنوع است، حتی اگر خود شاه شهید بازگردد!

یکی از ملازمان از کومه‌ای در «دولاب» نام می‌برد که ممکن است همین کومه باقیمانده باشد. پشت محله سرآسیاب دولاب فعلی، که مماس بر پارک ملی خجیر است و یکی از راه‌های گذر به شکارگاه از این محله که شاید در آن روزگار دهی بوده، می‌گذشته است.

شاه به شکار می‌رود!

«به تاریخ سیم شهر شعبان ۱۲۷۴، در قُرق پشت دولاب در کمه (کومه)، یک بز ـ آهو قریب به چهل و پنج قدم راه بود که اعلیحضرت قدر قدرت همایون شهریاری ـ روحی و روح‌العالمین فداه ـ با چارپاره زدند که تفنگ دود کرد. بز ـ آهو سر جایش خوابید و اول آهویی بود که در پشت بوته و کمه زده شد و به دست مبارک، ضبح (ذبح) فرمودند.»

ناصرالدین شاه علاقه غریبی به شکار داشت، بخشی از زندگی شاهانه وقف بازی‌های او با وحوش بود و روزی نبود که «توپ سواری» نداخته نشود و ملازمان مجبور به مهیای ملزومات شکار نشوند. محل شکار قرق می‌شد و شاه با خدم و حشم نزول اجلال می‌کرد. به جز این، شاه هر از گاهی هوس اردو زدن در نخجیرگاه می‌کرد و عمله دربار را وا می‌داشت تا به همراهش ماه‌ها به کوه و دشت بزنند و شکار شاه را تماشا و تحسین کنند.

قدَر قدرت قاجار برای شکار روش‌های متفاوتی داشت، یکی از آنها قُرق کردن (جرگه بستن) محوطه شکار توسط ملازمان بود تا وحوش به محدوده مشخصی مقابل تفنگ همایونی مجتمع شوند و شاه به سمت آنها شلیک کند. گرچه شاه درست تیر می‌انداخت، اما گاهی عمله دربار برای خودشیرینی هم که شده، حیوانی را در مسیر گلوله‌های شاهانه می‌بستند تا با تیر شاه بر زمین بیفتد و شعف شاه، صله‌ای برای آنها به همراه داشته باشد.

قبله عالم همچنین در محدوده قُرق، امر به ساخت کومه‌هایی کرده بود تا هنگام شکار در آن‌ها استقرار پیدا کند. کومه‌ها به سینه‌کش کوه‌ها مشرف بود و از آنجا دید بهتری به حرکت گله‌های وحوش وجود داشت و شاه با فراغ بال می‌توانست دست به ماشه شود.

برش‌هایی از روزهای شکار در جوانی و میانسالی شاه توسط ملازمان نگاشته شده است. این لحظات ثبت شده در تاریخ، تصاویری به ما می‌دهد از عادت شکار شاه و آنچه در اطراف و اکناف دربار می‌گذشت. مجموعه‌ای از این لحظات در سال ۱۲۷۴ هجری قمری در سن ۲۸ سالگی ناصرالدین قاجار نگاشته شده است.

الآخر ۱۲۷۴، در شکارگاه چشمه انجیرک (در نزدیکی رودهن)، به کمین تشریف بردند. یک میش را قریب به شصت قدم راه بود، با چهارپاره زدند، زخم‌دار شد، قدری راه رفت، گرفته شد.»

شکار یزغاله یکساله

قبله عالم به تاریخ ششم شهر شعبان نیز قصد شکار در دولاب می‌کند و طبق معمول ملازمان به قرق شرق طهران می‌پردازند. در نهایت شاه، **«یک چَپش (بزغاله یکساله) آهو در قرق دولاب با چهارپاره زدند؛ پایش شکست. آن روز پیدا نشد. این غلام فردا رفتم تا وقت ظهر پیدا کرده با اسب گرفتم، به حضور مبارک آوردم.»**

عطش شاه برای شکار روزانه بود و اگر رتق و فتق امور مملکت اجازه می‌داد، شاه از شکارگاه بیرون نمی‌آمد، چنانچه سه روز بعد و به تاریخ نهم شهر شعبان نیز، **«یک بُز آهوی بسیار مقبول در کمه (کومه) به دست مبارک با چهارپاره زدند؛ سی قدم راه بود که با دود تفنگ خوابید؛ از جایش حرکت نکرد.»**

اردوی شکار ناصرالدین شاه قاجار در لواسانات

تیر شاه به خطا نمی‌رفت!

تیر شاه به خطا نمی‌رفت حتی وقتی در تاخت بود و حین حرکت تیر می‌انداخت. اگر هم احیانا تیر شاهانه به خطا می‌رفت، مسلما ملازمی آن را کتابت نمی‌کرد تا تصویر قبله عالم در تاریخ مخدوش نشود و از جبروت وی در اذهان رعیت آینده مملکت کاسته نگردد. چنان که در تاریخ دوازدهم شهر رمضان نیز، **«در قرق دولاب، یک بز ـ آهو را با گلوله قریب به پانصد قدم راه، در تاخت زدند که پای راستش از بالای قاب شکسته شد. یک فرسخ بیشتر جلو اسب دوانده شد تا گرفته شد. چشم بد دور ـ ماشاءالله ـ الحق تیر شاهانه بود و هیچکس چنین تیر نینداخته است».**

در جایی دیگر آمده: **«قبله عالم ـ روحنا فداه ـ هنگام رفتن قشون تشریف بردند بیرون، ملاحظه فرمایند قشون را؛ در مراجعت دو بُز آهو با چهار پاره به دست مبارک زدند: بُز اولی، پنجاه و پنج قدم راه بود؛ بُز دویمی، چهل و سه قدم راه بود.»**

شکارگاه ناصرالدین شاه اطراف پایتخت بود، از سرخه حصار و قصر فیروزه و جاجرود تا شهرستانک، اما قبله‌عالم گاهی تا زنجان نیز برای شکار می‌رفت. حالا در سرتاسر پارک ملی خجیر، اگر به دقت گوش داده شود، گویا صدای شاه می‌آید که امر و نهی می‌کند؛ صدای سم اسبان و سپس صدای مهیب تفنگ سرپُر وقتی که او قصد کَل یا قوچی می‌کرد؛ بعد از آن رد خون آلود شکاری که از تیر شاه جان سالم به در برده بود، راهنمای ملازمان بود که با اسب به تاخت به دنبالشان می‌رفتند تا مبادا شکار شاه سهم دیگری شود.

روزنوشت اعتمادالسلطنه

از جمله کسانی که در کنار شاه روزشمار می‌نوشت، اعتمادالسلطنه بود. او که وزیر انطباعات[2] و از ملازمان تحصیلکرده شاه بود، از جمله فارغ‌التحصیلان دارالفنون بود که به فرنگ رفته، ادبیات فرنگی خوانده بود. او پس از بازگشت، مستخدم دربار شد و همه جا به دنبال شاه بود، برایش روزنامه و کتاب می‌خواند و شاه امور فنی را به او می‌سپارد. اهل شکار و حضور در اردو نبود و ترجیح می‌داد در صورت امکان در منزل بماند و «چیز» بنویسد، اما امر ملوکانه او را نیز به کوه و کمر می‌کشانید تا روی در چندین و چند سفر کوچک و بزرگ مجبور می‌شود به همراه شاه به نخجیرگاه برود. یکی از این سفرها به طالقان است که اردوی شاهانه گرفتار رعد و برق و بارش سیل آسای باران می‌شود و سیلاب به خرگاه همایونی نیز سرایت می‌کند. اعتماد السلطنه این پرده از زندگی همایونی می‌شدند. این محدوده از آن رو که شکارگاه شاه شد، در امنیت بیشتری بود و رعیت امکان حضور و شکار را در آن نداشت.

شکار کفتار در سرخه حصار

اعتمادالسلطنه می‌نویسند: **«۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۱: امروز باز جاجرود می‌رویم. نمی‌دانم تشریف برند، سه کفتار صید شصت همایون و ملتزمین رکاب شده بود...»**

چاپلوسان و شکار پلنگ عظیم‌الجثه

قدرت شاه در نخجیرگاه مطلق بود، فرمانروایی بلامنازع را در آنجا تجربه می‌کرد. هر وقت اراده می‌کرد، تیر می‌انداخت و هر آنکه را از وحوش امر می‌فرمود، پخته و کباب شده تحویل می‌گرفت. شاید خاستگاه ذهنی شاه برای شکار هم همین بود. حکمفرمایی بدون سئوال، بدون دردسر و بدون نیاز به سیاست و کیاست و وزیر و دبیر!

اما عمله و اکره شاه بی دلیل همراه شاه نبودند. نفس شکار فقط بخشی از شعف شاهانه را ایجاد می‌کرد. بخش دوم آن چاپلوسی و تحسین همین ملاجکه بود که احتمالا شاه قدرقدرت را اقناع می‌کرد و غبغب سلطان را متورم می‌ساخت.

شاه نیز به شکار کل و بز بسنده نمی‌کرد، هر چه شکار درنده‌تر بود، نشان بزرگتری از قدرت و توان همایونی داشت. از آنجایی که البرز، به ویژه البرز مرکزی زیستگاه پلنگ و خرس بود، شکار این دو حیوان وحشی که جمعیت زیادی هم در این منطقه داشتند، هم جذابیت بیشتری داشت و غریزه حیوانی شاه را آرام می‌کرد و هم موجب می‌شد، چاپلوسان و ثناگویان انگشت حیرت بردهان کرده، دلیل بهتری برای چاپلوسی بیابند.

اعتمادالسلطنه همچنین در جایی دیگر از خاطراتش به تاریخ ۲۴ ربیع‌الاول همان سال پرده‌ای از چاپلوسی ملازمان را به تصویر می‌کشد: **«صبح لباس پوشیده مصمم رفتن دربخانه بودم که توپ سواری انداخته شد. با وجودی که فراش به احضارم آمد که سوار شوم، سوار نشدم. تمام روز را خانه ماندم، چیز نوشتم. اما بندگان همایون دوشان تپه رفته بودند. ناهار در عمارت میل فرمودند. بعد خوابیدند. در خواب بودند که اطلاع داده بودند که پلنگی در حوالی دره رزک است. سوار شده [به] آنجا تاخت بردند. پلنگ عظیم الجثه قوی هیکلی را شکار فرمودند. فراش، سواری از همانجا به احضارم فرستادند که شب دربخانه حاضر باشم. لباس پوشیده دربخانه رفتم. در اطاق شاه تمام عمله خلوت غشه و رشه[6]، از پیشخدمت و فراش خلوت و غیره پر بود. نایب السلطنه هم حضور بودند. شاه بالای صندلی جلوس فرموده، پلنگ را بالای نطعی[7] انداخته از هر سو صدا بلند بود. بعضی به شدت حیرت دروغی لب‌ها را غنچه کرده ابروها را بالا انداخته، خرانه نگاه به پلنگ می‌کردند. جمعی که حاضر کارزار بودند، فضولی‌های بی معنی می‌کردند. جمع دیگر ماشاءالله و مرحبا می‌گفتند. من در گوشه‌ای خزیده، هیچ نمی‌گفتم تا همه رفتند. خودی نمودم، همین قدر عرض کردم آفرین بر این جرات. حالا معلوم شد اگر دشمنی قصد شما کند، می‌توانید دفع کنید. چرا که این حیوان سبع قوی دشمنی است. زیاده بر این نگفتم. سکوت کردم. اما حکیم‌الممالک در سر شام معرکه می‌کرد. فضولی مینمود. گاهی بی موقع فریاد می‌کرد. امان، واقعا شما این پلنگ را زده اید. بعد خنک می‌شد مطلب، مجددا می‌گفت آه، واه! اگر به من حمله برده بود، مرا کشته بود. من مشغول خواندن روزنامه میشدم مطلب تغییر می‌کرد. همینکه نفس می‌کشیدم مجددا حکیم می‌گفت بیایید تو را بخدا دیگر این کارها را نکنید. شاه بمن میفرمودند بخوان که حکیم کم فضولی کند. باز میگفت اگر امشب [به] خوابم بیاید از ترس خواهم مرد. خلاصه حالت‌های زنانه بروز میداد که خیلی جای تعجب بود. شاه به محقق فرمودند برخیز تا بگویم پلنگ وقتی زنده بود به چه اندازه بود. محقق برخواست. فرمودند بقدر تو بود. من عرض کردم پس بقدر خر بزرگی بوده است. خیلی خنده شد...»**

«قبله عالم» در یکی از شکارگاه های سلطنتی

دومین پارک ملی جهان

کومه ناصرالدین شاه قاجار در «خجیر» و درمیانه چندین کوه برافراشته، حالا نشانه‌ای است از هزار داستان شکارهای شاهانه. از حضور روزانه و شبانه جرگه همایونی، تاخت سواران، فرار گله‌ها، صدای گلوله و هلهله ملازمان.

از روزگارانی که شاه شهید، احتمالا خسته از اوضاع «پلتیک بین‌الدول»[8]، خسته از اخبار ناخوشایند قدرت گرفتن حکومت‌های همسایه، مستاصل از درک تحولات در فرنگ و مافیها، یا شاید اندکی احساس تحقیر از پیشرفت ممالک کفر، به کوه پناه می‌برده و خود را سرگرم شکار وحوش می‌کرده است.

شاید اگر همین کوه‌ها و صخره‌ها، اگر سقف فروریخته کومه زبان می‌گشودند، می‌توانستند از هیبت شاه، از نعره‌هایش به هنگام دنبال کردن گله‌ها و از ضرب شستش هنگامی که ماشه می‌چکانید، قصه‌ها بگویند؛ و شاید هم از دغدغه‌های مخفیانه همایونی در تنهایی کومه حکایت داشته باشند، وقتی که ملازمان آن دورترها، ظل آفتاب داغ تابستان، مستاصل و ملول زیر لب و به دور از گوشی شنوا به شاه فحش‌های رکیک می‌دادند و گله‌ها را به سینه‌کش کوه، مقابل لوله تفنگ مبارکه هش می‌کردند و شاه نیز در خلوت کومه، به دردها و غصه‌های شاهانه می‌اندیشید، رعیت و ملاجکه را در ذهن خود مورد عنایت قرار می‌داد و مگسک تفنگ را روی نزدیکترین بُز کوهی بخت برگشته، نشانه می‌رفت.

«خُجیر»، قرق شاه بود و زندگی و حیات وحشش را نیز تا حدی مدیون همان است، مدیون جلوگیری از ورود رعایا به آن به سبب میل قبله عالم به شکار! این ممانعت، گرچه ظلمی آشکار به رعایا بود، اما در نهایت موجب حفظ دومین پارک ملی قدیمی دنیا شد و حالا نوه‌های همان رمه‌های وحشی، کوه‌ها و صخره‌ها را بالا و پایین می‌روند و شاید قصه مردی را برای هم تعریف می‌کنند که روزگاری در میانه این کوه‌های سربه فلک کشیده، به سمت اجدادشان تیر می‌انداخت.

سجاد تبریزی

پانوشت:

۱ـ نوعی فشنگ که به هنگام شلیک، چهار تکه می‌شده است.

۲ـ انتشارات و مطبوعات.

۳ـ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، مقدمه و فهارس ایرج افشار، امیرکبیر، ۱۳۵۰

۴ـ کسی که تفنگ مخصوص شاه را حمل می‌کرد، جمع ملیجک.

۵ـ معادل ضرب‌المثل «فیل‌اش یاد هندوستان می‌کند».

۶ـ بی‌سر و پاها

۷ـ فرش چرمی.

۸ ـ سیاست‌های بین‌المللی و جهانی.

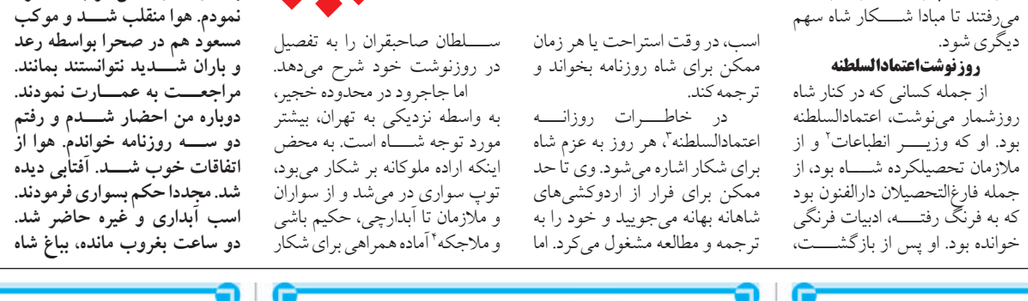
باقیمانده کومه شکار سلطان صاحبقران در پارک ملی خجیر- عکس: محمد نجفی

*** ناصرالدین شاه علاقه غریبی به شکار داشت، بخشی از زندگی شاهانه وقف بازی‌های او با وحوش می‌شد. شکارگاه ناصرالدین شاه اطراف پایتخت بود، از سرخه حصار و قصر فیروزه و جاجرود تا شهرستانک، اما قبله‌عالم گاهی تا زنجان نیز برای شکار می‌رفت**

*** برش‌هایی از روزهای شکار در جوانی و میانسالی شاه توسط ملازمان نگاشته شده است و تصاویری به ما می‌دهد از عادت شاه قاجار به شکار و آنچه که در اطراف و اکناف دربار او می‌گذاشته است**

بعد از مراجعت مشهد، سفر چندم جاجرود است. صبح زود به اتفاق [موسیو] بکمز (طبیب دربار) درشکه نشسته به سرخه حصار که حالا بجهت مداخل رساندن به ملیجک، ارم ذات‌العماد می‌کند[5]، رسیدیم. از آنجا سواره وقت ظهر وارد جاجرود شدیم. ناهار خوردم. خواب مفصلی کردم. شاه مغرب از راه کوه تشریف آوردند. بعد از شام قرق شد و حضور رفتیم... (فردا) شاه سوار شدند، من در رکاب بودم. نیم فرسخ دور از عمارت ناهار افتادند. روزنامه خوانده شد. بعد از ناهار من مراجعت منزل نمودم. هوا منقلب شد و موکب مسعود هم در صحرا بواسطه رعد و باران شدید نتوانستند بمانند. مراجعت به عمارت نمودند. دوباره من احضار شدم و رفتم دو سه روزنامه خواندم. هوا از اتفاقات خوب شد. آفتابی دیده شد. مجددا حکم بسواری فرمودند. اسب آبداری و غیره حاضر شد. دو ساعت بغروب مانده، بباغ شاه سلطان صاحبقران را به تفصیل در روزنوشت خود شرح می‌دهد.

اما جاجرود در محدوده خجیر، به واسطه نزدیکی به تهران، بیشتر مورد توجه شاه است. به محض اینکه اراده ملوکانه بر شکار می‌بود، توپ سواری در می‌شد و از سواران و ملازمان تا آبدارچی، حکیم باشی و ملاجکه[4] آماده همراهی برای شکار

شرکت تولید نیروی برق آذربایجان

آگهی فراخوان شناسایی مشاور

(نوبت اول)

شرکت تولید نیروی برق آذربایجان در نظر دارد طبق آیین‌نامه خرید خدمات مشاوره به شماره ۱۹۳۵۴۲/ت ۴۲۹۸۶ ک مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱ نسبت به شناسایی مشاوران واجد صلاحیت در زمینه خدمات مشاوره سیستم‌های فایر آلارم و فایر فایتینگ نیروگاهی اقدام نماید.

لذا از مشاورانی که گواهی‌نامه صلاحیت مرتبط با موضوع پروژه را دارند دعوت می‌شود جهت تحویل اسناد ارزیابی کیفی اقدام نمایند.

محل و مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: مشاوران واجد صلاحیت می‌توانند پس از انتشار آگهی نوبت اول حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز برای دریافت اسناد ارزیابی کیفی با مراجعه به آدرس این شرکت واقع در تبریز ـ کوی ولیعصر ـ خیابان عارف ـ کوی سیاح ـ پلاک ۱۰ ـ شرکت تولید نیروی برق آذربایجان ـ امور تدارکات و قراردادها و یا از سایت attps:iets.mporg.ir اسناد ارزیابی کیفی را دریافت نمایند.

محل تحویل اسناد ارزیابی کیفی: تبریز ـ کوی ولیعصر ـ خیابان عارف ـ کوی سیاح ـ پلاک ۱۰ ـ شرکت تولید نیروی برق آذربایجان ـ دبیرخانه شرکت

آخرین مهلت تکمیل و تحویل اسناد ارزیابی کیفی: تا پایان وقت اداری (۱۶:۱۵) روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۵

شرکت تولید نیروی برق آذربایجان

آگهی مزایده عمومی
شماره ۱۰۰۹۶۱۲۷۷۰۰۰۰۰۱
با شماره مزایده مرجع ۹۶۰۲ (نوبت دوم)

شرکت هواپیمایی خدمات ویژه در نظر دارد تعداد یک دستگاه خودروی مینی بوس هیونداي کروز مدل ۱۳۸۴ و یک دستگاه کامیون بنز ۹۱۱ با اتاق فلزی مدل سال ۱۳۷۱ با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و بر اساس صورتجلسه کمیسیون ماده ۲ به شماره ۹۶-۰۰۹۲-۹۹ مورخ ۹۶/۵/۲۳، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) (با شماره مزایده سیستمی ۱۰۰۹۶۱۲۷۷۰۰۰۰۰۱) به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت: تاریخ ۹۶/۰۵/۲۸ ساعت ۰۰:۰۱

مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۹۶/۰۵/۲۸ الی ۹۶/۰۶/۰۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

تاریخ بازدید: از تاریخ ۹۶/۰۵/۲۸ الی ۹۶/۰۶/۲۰ از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰ (در محل شرکت)

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: تاریخ ۹۶/۰۶/۲۱ ساعت ۹:۰۰.

زمان گشایش پیشنهادها: تاریخ ۹۶/۰۶/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰ (در محل شرکت)

زمان اعلام برنده: تاریخ ۹۶/۰۶/۲۱ ساعت ۱۱:۳۰ (در محل شرکت)

مبلغ تضمین شرکت در مزایده برای مینی بوس ۲۹،۰۰۰،۰۰۰ ریال و برای کامیون ۲۶،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد که می بایست به صورت یک یا ترکیبی از روش های ذکر شده در آئین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب هیئت محترم وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ (مندرج در شرایط مزایده) ارائه گردد.

تذکر: برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بوده و کلیه مراحل فرآیند مزایده از این طریق انجام می گردد. علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) بامرکز پشتیبانی سامانه به شماره ۲۱-۴۱۹۳۴ ویا از طریق بخش «ثبت نام پروفایل مزایده گر» سامانه مذکور بادفاتر ثبت نام تماس حاصل نمایند. ضمنا شرکت کارکنان دولت در این مزایده بلامانع می باشد.

نشانی شرکت: قزوین - جاده قدیم تهران - روبروی انبار شرکت نفت - شرکت هواپیمایی خدمات ویژه (فرود گاه)

تلفن: ۰۲۸-۳۳۵۵۲۰۷۷

شرکت سهامی هواپیمایی خدمات ویژه

آگهی تغییرات شرکت ارکان گاز سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۷۰۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی آرمان راهبرد با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۳۳۸۳ به عنوان بازرس اصلی و آقای فریدون دهقان دانالو به شماره ملی ۲۷۵۱۷۴۴۴۲۷ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای محمد حسن دیده ور به شماره ملی ۰۵۵۸۸۹۵۲۵۵ آقای محمد حسین دیده ور به شماره ملی ۰۵۵۸۹۰۳۰۰۲ آقای محمود ابراهیمی به شماره ملی ۰۵۵۸۸۹۲۸۰۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۰۹۹۷)

آگهی تغییرات شرکت ارکان گاز سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۷۰۹۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد حسن دیده ور به شماره ملی ۰۵۵۸۸۹۵۲۵۵ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل آقای محمد حسین دیده ور به شماره ملی ۰۵۵۸۹۰۳۰۰۲ به سمت عضو هیئت مدیره آقای محمود ابراهیمی به شماره ملی ۰۵۵۸۸۹۲۸۰۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور از قبیل: چک، سفته، بروات، قراردادها با امضای رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل با مهر شرکت معتبر می باشد. هیئت مدیره تمامی اختیارات مشروحه در ماده ۴۰ اساسنامه را به مدیر عامل تفویض نمود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۰۹۹۸)

آگهی تغییرات
شرکت پتشیانی آتیه سازان دی سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۳۷۲۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۱۴۷۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیات مدیره عبارتند از: آقای داریوش بذری با شماره ملی ۳۲۵۶۱۸۵۲۰۷ به نمایندگی از شرکت آتیه سازان دی به شماره ثبت ۴۰۲۶۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۲۸۰۹۱، آقای محمدرضا همتی با شماره ملی ۶۳۶۹۷۱۶۰۴۹، آقای خسرو علیائی با شماره ملی ۴۱۸۹۳۰۵۰۹۱، آقای سید مصطفی شاهزاده صفوی با شماره ملی ۰۰۵۶۴۰۲۹۹۶ و آقای علی شریعت با شماره ملی ۰۶۰۳۱۴۹۴۲۱ برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۰۹۹۵)

آگهی تغییرات
شرکت مهندسین مشاور ایران آمایش سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۱۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۵۱۱۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی ۱۳۹۵ به تصویب رسید. روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب گردید. میرابوالحسن حمله خوان به شماره ملی ۰۰۴۱۳۸۹۵۸۱ و مهرداد رکنی پور به شماره ملی ۰۰۶۷۹۹۶۱۳۲ برای مدت یکسال بترتیب بعنوان بازرس اصلی و علی البدل انتخاب گردیدند. کلیه اوراق عادی بالامضاء هر یک از اعضای هیئت مدیره به تنهایی و بامهر شرکت و کلیه اسناد و اوراق تعهدآور با امضاء دو نفر از سه نفر اعضاء هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۰۹۹۳)

آگهی مزایده فروش دام مازاد

شرکت دامداری تلیسه نمونه در نظر دارد نسبت به فروش دامهای مازاد بر نیاز واحدهای: شهریار و حسن آباد به شرح زیر از طریق برگزاری مزایده در روز دوشنبه ۹۶/۶/۱۳ ساعت ۱۱ صبح اقدام نماید، متقاضیان می توانند جهت بازدید و دریافت برگ شرایط شرکت در مزایده به آدرس: شهریار، میدان نماز - بلوار پلیس - کیلومتر ۲ جاده شهریار، تهران - قره تپه (شرکت دامداری تلیسه نمونه) مراجعه نموده و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۷- ۶۵۲۹۰۱۴۵ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

۱) گاوشیری آبستن داشتی
۲) گاو شیری غیر آبستن حذفی و کشتارگاهی
۳) گوساله نر شیرخوار و قطع شیر و پرواری
۴) تلیسه غیرباردار حذفی کشتارگاهی و فری مارتین

جدول

طراح: غلامحسین باغبان

۲۳۱۹۱

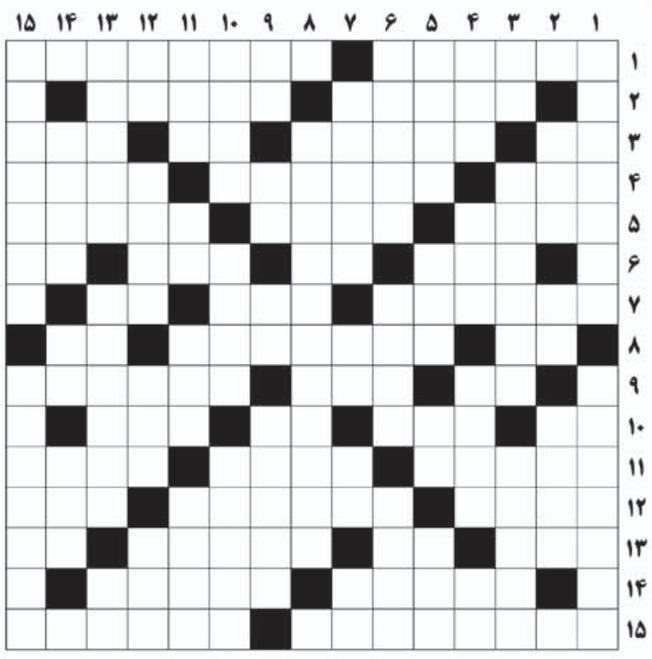

افقی:

۱- قابل حمل و نقل - تیم فوتبال زرد پوش آلمانی
۲- نام سپهری شاعر هشت کتاب - روساخت
۳- پیشرو اعداد - هرچیز کمیاب! - صنم - یار دشت
۴- دفعه - چاه جهنده - از القاب امام زمان (عج)
۵- مرطوب - درون - متقی
۶- دولت ها - نامطبوع - یک ترکی - ترمز چهار پا
۷- پنهانی - بدکارتر - شامل همه
۸- رایگان - به کار گماشتن - یار سوزن
۹- علامت جمع - غزال - پایتخت میانمار (برمه)
۱۰- خداوند - صندلی راحتی - کلام تنفر - ضربه ای فنی و نرم از بالای سر دروازه بان
۱۱- از گیاهان دریایی - جامه شغل - ایجاد کننده
۱۲- پیامبری در کام ماهی - نوعی فرش و گلیم - پرچم
۱۳- عیب و عار - علامت مفعولی - غزلسرای رومی - رمزینه
۱۴- فضای زیادی را اشغال می کند - دستگاهی تعبیه شده بر بالای لگن توالت
۱۵- گلزن آرژانتینی بارسلونا - سبزی معطری در دوغ

عمودی:

۱- دلبستگی و اعتقاد به چیزی داشتن - پایانه
۲- عیش مطلوب - صدای پرواز زنبور - خارج
۳- ترس تو خالی! - مادر رستم - مبارز
۴- از مصالح ساختمانی - اسلوب - ورم - اشاره دور
۵- رئیس پلیس استالین - پای افزار، کفش - شهر آلمان - تنظیم
۶- شهری در فارس - جناح لشکر - همیشه
۷- بی طاقت - قعر و آخر - شخص - خاک سفالگری
۸- آنچه آرزو داشتیم!
۹- پر گویی - سلحشور و پهلوان - عملی گردید - الهه هنر
۱۰- آریس... گلزن هلندی بایرن مونیخ - به جهت - ظلمانی
۱۱- بام دنیا - عدد هندسی - بوسه - هر جامه نفیس
۱۲- خودم - هریک از پنج خشکی عالم - نصف - خار سیخک خوشه گندم
۱۳- مجبور شده - فیلمی از مارتین اسکورسیزی - دل آزار کهنه
۱۴- ممکن و شدنی - عادت - لطیفه
۱۵- کشور «کنهاگ» - اثری از عبدالحسین زرینکوب

حل جدول ۲۳۱۹۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	م	ب	ه	ا	ب	ر	و	ن	ی	ا	و	ر	د	ن
۲	ن	■	م	ا	ز	ی	ا	ر	■	س	و	خ	ت	■	ه
۳	د	ز	■	ت	ر	ش	ی	■	ک	ل	■	ا	■	ا	ج
۴	ه	ا	ن	■	د	ه	■	خ	و	■	ا	م	ت	ل	ا
۵	■	ن	ف	ل	ه	■	ر	ا	ش	د	■	ت	ا	م	ل
۶	ا	ت	ی	ه	■	ا	م	ل	ا	ی	ی	■	ن	ا	ب
۷	س	ی	ر	■	م	غ	ا	د	■	و	ح	ش	ی	■	ل
۸	ی	ا	■	س	ا	ت	ن	■	م	ا	ی	ه	■	س	ا
۹	ا	■	ت	خ	ل	ص	■	ک	ا	ن	ی	■	ا	ل	غ
۱۰	ب	ا	م	■	ش	ا	ی	س	ت	ه	■	ک	ی	و	ه
۱۱	ه	ر	د	م	■	م	د	ا	م	■	ب	ر	ف	ک	■
۱۲	ن	ا	د	ا	ل	■	ک	د	■	غ	ل	■	ل	و	س
۱۳	و	ک	■	م	ا	د	ی	■	د	ل	ب	ر	■	س	ی
۱۴	ب	■	م	و	ی	ز	■	پ	ر	ا	ش	و	ب	■	ل
۱۵	ت	ر	ی	ن	ی	د	ا	د	و	ت	و	ب	ا	ک	و